

جلسه ششم

🔖 موضوع: ارکان اخوت (بخش اول)

📌 مدرس: حجت الاسلام و المسلمین **محمد رضا فلاح شیروانی**

📌 مقرر: سرکار خانم **زهرا حائری**

📌 محتوای کلی

در این جلسه به شرح ۲ رکن از ارکان اخوت، که مؤلف قلوب مؤمنین است و پایه‌ی سیاست عده می‌باشد؛ می‌پردازیم.

همانطور که پیش‌تر گفته شد اسلام یک دین سیاسی است و اعظم سیاست آن، سیاست عده و عده می‌باشد. که سیاست عده نیز، بدون اخوت، پریشانی است، یا ظاهری و یا باطنی. و مؤمن اگر ایمانش حقیقی باشد پیوند اخوت را طبیعی و واجب می‌داند.

و این پیوند اخوت دارای ۴ ناموس **انس**، **کمال**، **عزت و عون** می‌باشد. که بدون هر یک از این نوامیس اجتماع بر پایه‌ی اخوت اجتماع سستی است و دوام ندارد.

🔖 ناموس اول : انس با برادر دینی

ظرفیت عظیم انسان، فقر گسترده‌ای را رقم می‌زند و همزمان عشق عظیمی را هم ایجاد می‌کند. در واقع انسان ظرفیت بالایی برای عاشق پیشگی و جذب هم نوع خود دارد که این یک نعمت الهی است. و دقیقاً **صفت ذاتی کسی که مانوس است، عشق است و عشق اساساً جاذبه دارد و این جاذبه هم حرکت دهنده است و هم بازدارنده.**

اما انسان‌های دور و منافق بهره‌ای از این عشق و انس نخواهند داشت، چرا که انسان ذاتاً با قلب دور و پر از نفاق، انس نمی‌گیرد. و همین است که در اسلام نفاق، بشدت مذموم است. چرا که مانع انس و در نتیجه مانع اخوت و نهایتاً مانع جریان دین اسلام در جامعه می‌شود. لذا گفته می‌شود انس با برادر دینی متکی به یکرویی و یک‌رنگی صرف است.

🔖 ناموس دوم : کمال خوهی برای برادر دینی

کمال امری فطری است. کمال فردی همان رسیدن به سعادت دنیا و آخرت است و کمال اجتماعی، به عنوان پیشرفت‌های اجتماعی در دنیا تعبیر می‌شود. لذا میتوان گفت **بطور کلی کمال باعث آبادانی دنیا و آخرت است.**



انسان برای معاش و معاد خود، محتاج علم و عمل است. و هرآنچه سعی کند علم و عمل بهتری داشته باشد، به کمال نزدیک‌تر می‌شود. اساساً انسان در اسلام می‌تواند از تمام جهات به بی‌نهایت برسد. جامعه نیز در پرتو کمال‌خواهی رشد میکند و اساساً جامعه‌ی بدون کمال، جامعه‌ای زنده و پویا نیست.

اما رسیدن به کمال، مخصوصاً در اجتماع مسلمین نیازمند یگانگی و اتحاد است، چرا که بدون اتحاد، کمال‌خواهی و اصلاح برادر مؤمن، کاری عبث و بیهوده است.

▼ مشکل جامعه‌ی امروز ما در رسیدن به پیشرفت و کمال

- ۱) بی‌اعتنایی‌های نابجا به دنیا (عدم رسیدگی به ظاهر زندگی، به تفریحات و لذت‌های حلال دنیا و...).
- ۲) تجربیات اجتماعی کم و حافظه‌ی تاریخی ضعیف (تجربه کم جمهوریت در کشور و در کنار عبرت نگرفتن از اشتباه‌ها و عدم تلاش برای اصلاح اشکالات و سیاست‌های بی‌ثبات اجتماعی و...).
- ۳) دچار شدن به غرور حقانیت و عدم تلاش برای بهبود و پیشرفت.
- ۴) فهم و شعور و فرهنگ پایین مردم و عدم تلاش حکومتی برای رشد شعور ملی و بالطبع استفاده از نظرات مردم و مردم‌سالاری دینی (بدون مردم‌سالاری، حکومت فقیهان و نخبگان به موفقیت و ظهور معصوم و نهایتاً داشتن حکومت الله در جامعه نخواهیم رسید).